



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۳/۰۷

سید عظیم حسینی

تجارت از دیدگاه ادیان، بخصوص از نظر دین اسلام – قسمت هفتم

۹ - سرگرم شدن به بازار و امور دنیایی آن

طبیعت ظاهری بازار چنان است که می‌تواند آدمی را به خود مشغول دارد و به هلاکت معنوی فرد بینجامد. درحقیقت، هدف از آفرینش جهان مادی و آنچه در آن است، فراهم آوردن زمینه حرکت بشر به سوی سعادت الهی است. بنابراین، انسان باید دنیا و مظاهر آن را وسیله‌ای برای رسیدن به هدف متعالی خود بداند، نه آنکه این امور پرایش ارزش استقلال بیابد و هدف اصلی فراموش شود. به عبارت دیگر، انسان نباید این امور را هدف زندگی خویش قرار دهد و به آنها دل ببندد و آخرت را فراموش کند. حضرت علی علیه‌السلام در بازار بصره متوجه مردی شد که در حال خرید و فروش بود. حضرت قدری درکار او نگاه کرد و سخت گریست. سپس فرمود: «ای بندگان دنیا و کارگزاران اهل دنیا، روز قسم می‌خورید و شب می‌خوابید و زمان می‌گذرد، در حالی که از آخرت غافلید. پس چه هنگام می‌خواهید توشه برگزید و برای آخرت فکری کنید؟» فردی به حضرت عرضه داشت: ای امیرالمؤمنین، ما چاره‌ای از تهیه معاش نداریم، پس چه کنیم؟ امام فرمود: «طلب معاش از راه حلال، انسان را از تلاش برای آخرت غافل نمی‌کند. پس اگر بگویید ما ناگزیر از احتکار هستیم، معذور نخواهید بود.» حضرت در حالی که می‌گریست، از مرد جدا شد.

تأمین نیازهای مادی باید به انگیزه رسیدن به سعادت الهی باشد و حلال بودن کسب، به معنای فراموش کردن آخرت نیست. [۱۸] خداوند در قرآن کریم در تشبیهی گویا و رسا، با مجسم ساختن حال واقعی رباخواران می‌فرماید: کسانی که ربا می‌خورند، بر نمی‌خیزند، مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان با او دیوانه شده است و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند. گاه به زمین می‌خورد و گاه بر می‌خیزد. به راستی، عمل رباخوار بنا بر این آیه شریفه همانند دیوانگان است؛ چون آنان از تفکر صحیح اجتماعی بی‌بهره هستند و نمی‌توانند منافع دیگران را در نظر بگیرند. برای آنان مسائلی مانند تعاون، همدردی، عواطف انسانی و نوع‌دوستی مفهومی ندارد و پرستش ثروت، چنان چشم عقل آنها را کور می‌کند که نمی‌فهمند استثمار طبقات زیردست و غارت کردن دسترنج آنان، بذر دشمنی را در دل‌های آنان می‌پاشد و انقلابها و انفجارهای اجتماعی که اساس مالکیت را به خطر می‌افکند، منتهی می‌شود. در این صورت، امنیت و آرامش در چنین اجتماعی وجود نخواهد داشت. بنابراین، او هم نمی‌تواند راحت زندگی کند. پس مشی او مشی دیوانگان است. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌خوانیم: «رباخوار از دنیا بیرون نمی‌رود، مگر اینکه به نوعی از جنون مبتلا خواهد شد». [۱۹] "یک قصه عامیانه قرن دوازدهم از رباخواری حکایت می‌کند که وقتی می‌خواست برای اجرای مراسم ازدواج وارد کلیسا شود مجسمه‌ای بر سرش افتاد و او را از پای در آورد. چون بررسی شد معلوم شد آن مجسمه هیکل ربا خوار دیگری است و چنین نتیجه گرفتند که آن نشانه ناخشنودی خداوند از دلالتان پول است. از این رو مشاهده می‌کنیم در دوران قبل از قرن ۱۴ میلادی، ربا در قوانین اروپا حتی به لحاظ دینی نیز ناهنجار تلقی می‌شود اما چرا این اندیشه‌ها حاکم بود؟ تحت تاثیر چه عواملی بود که این اندیشه‌ها رواج می‌یافت و تا قبل از انقلاب اقتصادی در اروپا این اعتقادات، دستخوش چه تغییراتی شدند؟ آرای حکمای یونان باستان تا قرن ۹ میلادی پایدار بود. [۲۰] رباخواری، تعادل اقتصادی را در جامعه بر هم می‌زند و ثروت‌ها را در یک قطب اجتماع جمع می‌کند؛ زیرا بر اثر آن، جمعی فقط سود می‌برند و جمعی گرفتار زیان‌های اقتصادی می‌شوند. همچنین رباخواری نوعی تبادل

اقتصادی ناسالم است که عواطف و پیوندها را سست می‌کند و بذر کینه و دشمنی را در دل‌ها می‌پاشد. در واقع، رباخواری بر این اصل استوار است که رباخوار فقط سود پول خود را می‌بیند و هیچ توجهی به زیان بدهکار ندارد. رباخواری، تنبل‌پرور است و سبب تباهی سرمایه انسانی و رکود اقتصادی جامعه می‌شود. همچنین غصب دسترنج و محصول کار دیگران است که بر شکاف طبقاتی جامعه می‌افزاید. بر این اساس، رباخواری یکی از مهمترین عوامل ایجاد تبعیض در جامعه به شمار می‌آید. (ادامه دارد)